

بررسی تحلیلی مؤلفه‌های مهدی‌باوری زیدیان در قرن سوم هجری

رضا برادران*

محمد رضا بارانی**

چکیده

بازشناسی باورهای مهدوی زیدیان در قرن سوم هجری موضوعی است که نوشتار پیش‌رو بدان می‌پردازد و نویسنده بر آن است تا مهم‌ترین ویژگی‌های اندیشه مهدویت را در میان زیدیه در این بازه زمانی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. چنان‌که مهدی‌باوری در این دوره، از کارکردهای ویژه‌ای در قیام‌های زیدی و بارور شدن برخی از مفاهیم کلیدی در حوزه مهدویت برخوردار بوده است. به نظر می‌رسد با ظهور شخصیت‌هایی همچون محمد بن قاسم (م ۲۱۹ ق) و یحیی بن عمر (م ۲۵۰ ق) اندیشه مهدویت در میان زیدیه دوران جدیدی را تجربه کرد که باور به غیبت آن‌هم در بازه‌ای طولانی و همچنین توجه ویژه به علائم‌الظهور را می‌توان از خصوصیات بارز آن دانست. بنابراین نوشتار پیش‌رو با استفاده از منابع معتبر گوناگون و ارائه تحلیل‌های مستند تلاش می‌کند تصویری از مؤلفه‌های مهدی‌باوری زیدیان در قرن سوم را به دست دهد. چنان‌که تعامل زیدیان با دیگر گروه‌های موعودگرا می‌تواند موضوعات تحقیقات ارزشمند دیگر باشد.

کلیدواژه‌ها

مهدی‌باوری، مهدی، زیدیه، محمد بن قاسم، یحیی بن عمر.

*. دانشجوی دکتری معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده

r.baradaraan@gmail.com

مسئول).

m.barani@alzahra.ac.ir

**. استادیار دانشگاه الزهراء ÷.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۹

طرح مسئله

زیدیه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین فرقه‌های شیعی که از قیام زید بن علی بن حسین (۱۲۲ - ۸۰ ق) سر برآوردند و پس از قیام‌های نافرجام نخستین، به حکومت‌هایی در گوشه و کنار جهان اسلام دست یافتند؛ روند پرفراز و فرودی را تا به امروز در حیات اجتماعی - سیاسی خود تجربه نموده‌اند و لذا صفحات بسیاری از آثار را به حرکت‌ها و باورهای خود اختصاص داده‌اند. هرچند نگاشته‌های اندکی از مهدی‌باوری آنان سخن رانده است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

اما ضرورت پرداختن به چنین موضوعی آن‌هم به صورت تاریخی و زمان‌محور و با تأکید بر قرن سوم در واکاوی موارد ذیل خواهد بود: نخست آنکه انتخاب موضوعاتی براساس تاریخ فکر در باب مهدویت می‌تواند در تصویرسازی برای مشاهده یک منظره کلان از تاریخ فکر مهدی راهگشا باشد. چنان‌که در تبیین حوادث و یا تحلیل گزارش‌های تاریخی، شناخت بسترها و پیش‌زمینه‌های فکری، بسیار مهم و اساسی خواهد بود. لذا بازشناسی اندیشه مهدویت در این باره که بر رویدادها و وقایع آن زمان کاملاً تأثیرگذار می‌نمود، گریزناپذیر خواهد بود. آخرین نکته در ضرورت برگزیدن این موضوع، گستره زمانی خواهد بود که برای پژوهش انتخاب شده است؛ زیرا یکی از مهم‌ترین نقاط عطف تاریخ امامیه در این قرن، تولد و غیبت امام دوازدهم علیه السلام خواهد بود. بنابراین تعاملات امامیه و زیدیان در موضوع موعود می‌تواند مورد کنکاش بیشتری قرار گیرد.

مباحث مرتبط با مهدویت در زیدیه چون نامزدهای مهدی در این دوران، باور به غیبت، نشانه‌های ظهور، ملاحم و فتن و مانند آن در قلمرو موضوعی این تحقیق قرار دارند. چنان‌که این تحقیق می‌کوشد تا تنها به آموزه پرداخته و به اثری شخصیت‌نگار و یا حادثه محور بدل نگردد. همچنین کشف و اثبات تمایلات درونی نامزدهای مهدوی نیز از گستره بحث خارج بوده و تمرکز قلم بر باورها و عقاید مهدوی هواداران آنان از زیدیان خواهد بود.

در گستره زمانی نیز تلاش شده است که کمتر به رخداد‌های پیشینی و یا باورهای پسینی پرداخته شود، اما با توجه به آنکه طلیعه‌های نخستین اندیشه مهدویت در زیدیه همزمان با قیام زید هویدا گشت، لذا مروری گذرا بر سرگذشت این فکر قبل از آغاز بحث ضروری خواهد بود. در انتها نیز به جهت رازگشایی از عقاید مهدوی زیدیان پس از گذر از تبوتاب‌های قرون نخستین، به اجمال باور غالب زیدیه در ایمان به موعودی واپسین که تا به امروز نیز تداوم یافته است، مورد تحلیل قرار گرفت. بنابراین می‌توان پرسش‌های تحقیق را چنین دانست: مهم‌ترین مؤلفه‌های مهدی‌باوری زیدیه در قرن سوم چیست؟ باور به غیبت مهدی در این قرن از چه جایگاهی در نزد زیدیان برخوردار

است؟ نشانه‌های ظهور به‌عنوان بخشی از اندیشه مهدویت تا چه اندازه بر مهدی‌باوری زیدیه در قرن سوم اثرگذار بوده است؟ مهدویت در قالب باور به منجی واپسین در میان زیدیان قرن سوم از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

فرضیه تحقیق این است که باور به غیبت، توجه به نشانه‌های ظهور و باور به منجی واپسین سه مؤلفه مهم مهدی‌باوری زیدیان، در قرن سوم نمود بیشتری یافته و جایگاه محوری پیدا کرده است. باور به غیبت مهدی در این قرن هم‌زمان با قیام محمد بن قاسم (م ۲۱۹ ق) و سرنوشت مبهم او به شکل جدی در میان زیدیان مطرح شد و این مؤلفه مهدوی تا حدود یک‌صد سال در مناطق دورافتاده خراسان به‌ویژه طالقان به حیات خود ادامه داد.

مؤلفه دیگر مهدویت یعنی نشانه‌های ظهور، در قیام یحیی بن عمر (م ۲۵۰ ق) بسیار مورد توجه قرار گرفت و برخی با توجه به نشانه‌هایی که برای ظهور مهدی در میراث حدیثی شیعه مطرح بود، به قیام یحیی پیوستند و با توجه به همخوانی برخی از مسائل این قیام با نشانه‌های ظهور، به مهدویت یحیی دل بستند.

آخرین تصویر از مهدویت در این قرن را می‌توان در ایمان به منجی واپسین دانست؛ یعنی باور به ظهور مردی از نسل فاطمه^۱ که آخرین امام خواهد بود و ضمن حکمرانی بر کل زمین، عدالتی فراگیر برقرار خواهد کرد. این اندیشه که شاید ریشه در نفوذ اعتزال در میان زیدیان دارد و تا حد زیادی به اهل سنت نزدیک است، تا به امروز در میان زیدیان باقی است.

برای بررسی این فرضیه، منابع بسیاری از مصادر درون‌گروهی زیدیان و همچنین آثار متقدم در چهار زمینه تاریخ، کلام، حدیث و فرقه‌شناسی مطالعه گردید. درمورد پیشینه تحقیق نیز باید گفت اثری اختصاصی نگاشته نشده است، اما می‌توان آن را در سه حوزه جستجو کرد:

نخست تألیفاتی است که پیرامون زیدیه و یا مهدویت نگاشته شده است که باوجود ارزش علمی، کمتر به مهدی‌باوری در میان زیدیان پرداخته است.

دسته دوم آثاری است که در قالب کتاب‌هایی چون یحیی بن عمر علوی نوشته بحر العلوم^۱ و یا مقالاتی مانند قیام یحیی بن عمر (قتیل شاهی) نوشته الهامی^۲ درمورد نامزدهای مهدی در این قرن نگاشته شده است که هرچند به انعکاس زندگی و قیام وی پرداخته‌اند، اثری از باورهای مهدوی این دوران به چشم نمی‌خورد.

۱. بحر العلوم، یحیی بن عمر علوی.

۲. الهامی، «قیام یحیی بن عمر (قتیل شاهی)»، مجله درسهای از مکتب اسلام، سال ۳۴، شماره ۸، ص ۳۹ - ۳۳.

گروه سوم تحقیقاتی است با موضوع «مهدویت در زیدیه» که طی سالیان اخیر شاهد نشر کتاب‌ها^۱ و تدوین پایان‌نامه‌ها^۲ و تولید مقالاتی^۳ در این موضوع به صورت اختصاصی یا در ضمن موضوعات دیگر که باوجود ارائه اطلاعات ارزشمند، بازه زمان تنگ‌تر و یا گسترده‌تری را مورد بحث قرار می‌دهد و یا بیشتر به نامزدهای مهدوی پرداخته و کمتر آموزه مهدویت را در مرکز توجهات خود قرار داده‌اند. لذا با توجه به آثار یادشده، از انجام این تحقیق بی‌نیاز نخواهیم بود.

در انتهای این بخش، گفتنی است که قرن سوم را می‌توان بستری برای رخدادهای جدید در باورهای مهدوی زیدیان تلقی نمود؛ بدین معنا که با افول مهدی‌باوری در زیدیه با شهادت نفس زکیه^۴، کمتر نشانی از مهدویت را می‌توان از میانه قرن دوم به بعد، در باورهای زیدیان ردیابی کرد و اگر از اعتقاد گروهی به غیبت نفس زکیه عبور کنیم^۵، شاید بتوان تنها به گفتار کوتاهی از محمد دیاج (م ۲۰۳ ق) در امید به مهدی بودن خود اشاره کرد.^۶ اما پس از آن، دو رخداد مهم، یعنی قیام محمد بن قاسم و قیام یحیی بن عمر، در این زمینه پراهمیت تلقی می‌شوند؛ زیرا دو عنصر غیبت و نشانه‌های ظهور در این قیام‌ها به‌طور جدی در مهدی‌باوری زیدیه وارد شدند. اما زیدی‌مذهبان پس از فروکش نمودن این قیام‌ها به باوری پایدار در زمینه مهدی دست یافتند. از این رو این نوشتار را می‌توان در سه بخش زیر پی‌گیری کرد:

۱. برای نمونه: مظفری، *جریان‌شناسی مهدویت در فرقه‌های شیعی*، ص ۶۰ - ۴۷.
۲. برای نمونه: خلیلی، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، *دانشگاه ادیان*؛ قاریان، «مهدویت از دیدگاه فرقه‌های زیدیه»، *پایان‌نامه سطح ۳، قم، حوزه علمیه*، ۱۳۹۵.
۳. برای نمونه: موسوی‌نژاد، «مهدویت و فرقه حسینی زیدیه»، *مجله هفت آسمان*، ش ۲۷، ص ۱۶۲ - ۱۲۷؛ فرمانیان، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، *کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، ص ۳۰۰ - ۲۹۷؛ جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، *کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، ص ۴۲۲ - ۴۱۴؛ موسوی‌نژاد و موسوی آقداش، «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زید بن علی»، *مجله انتظار موعود*، شماره ۴۸، ص ۱۱۶ - ۹۵.
۴. برای اطلاعات بیشتر در زمینه مهدی‌باوری زیدیان همزمان با ظهور نفس زکیه، بنگرید به: برادران و گل‌پور، «مهدی‌باوری و مؤلفه‌های آن در میان زیدیان مقارن با ظهور نفس زکیه»، *مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، شماره ۲۶، ص ۱۳۸ - ۱۱۷.
۵. نوبختی، *فرق الشیعه*، ص ۶۲؛ اشعری قمی، *المقالات و الفرق*، ص ۴۳ و ۷۶؛ ناشی اکبر، *مسائل الامامه*، ص ۲۰۳؛ اشعری، *مقالات الاسلامیین*، ص ۹ و ۲۳؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۴۲ و ۴۵ - ۴۴ و ۳۳۲.
۶. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۴۰.

۱. بررسی باور به غیبت در مهدی باوری زیدیه

با ظهور محمد بن قاسم که از نوادگان امام سجاد علیه السلام می‌باشد،^۱ مهدویت در میان زیدیه وارد مرحله جدیدی شد. محمد با ویژگی‌هایی همچون علم و تقوای فوق‌العاده^۲ در خراسان قیام کرد که پس از چندین رویارویی با سپاه عبدالله بن طاهر (حک ۲۳۰ - ۲۱۳ ق) سرانجام شکست خورد و پس از دستگیری، روانه زندان معتصم (حک ۲۲۷ - ۲۱۸ ق) گردید؛^۳ اما در سرانجام او اختلاف است: بعضی معتقدند او در زندان وفات یافت،^۴ برخی بر این باورند که او از زندان گریخت اما از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست^۵ و عده‌ای با تردید در این زمینه سخن گفته‌اند.^۶ چنان که ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) که مطالب بسیار بیشتری نسبت به دیگران در مورد ابن قاسم دارد، جزئیات قابل توجهی را از سرنوشت محمد بعد از فرار از زندان به دست داده است و پاره‌ای از نقل‌ها، مرگ او را در زندان متوکل (حک ۲۴۷ - ۲۳۲ ق) گزارش داده‌اند.^۷

منابع مقدم زیدی نام محمد بن قاسم را در ردیف امامان خود قرار نداده‌اند، - که شاید به سبب برخی از نظرات اعتزالی او باشد که سبب جدایی برخی از زیدی‌ها از او شد^۸ - اما اشاره تاریخ‌نگاران به پذیرش امامت او از سوی زیدیان^۹ و تصریح فرقه‌نویسان بر اعتقاد گروهی از جارودیان به مهدویت وی^{۱۰} سبب شده است تا او را یکی از چهره‌های اثرگذار زیدی بدانیم. اما این تمام ماجرا نیست؛ زیرا توجه به دو نکته اساسی در مورد این شخصیت اهمیت فراوانی دارد. اول آنکه باور به غیبت محمد که احتمالاً ناشی از مرگ نه‌چندان روشن او دارد، تداوم

۱. نسب کامل وی بدین قرار است: محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن زین‌العابدین علیه السلام.

۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۶۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۶۴.

۳. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۸ - ۷؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷۲ - ۴۷۱؛ مسعودی، مروج الذهب،

ج ۳، ص ۴۶۵ - ۴۶۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۷۳ - ۴۶۴.

۴. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱۴، ص ۱۴.

۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۸؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۷۲؛ ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۴،

ص ۱۷۷.

۶. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۶۵.

۷. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۷۳ - ۴۶۴.

۸. همان، ص ۴۶۵ و ۴۷۳.

۹. مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۶۵؛ ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱۴، ص ۱۴.

۱۰. اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۶۷؛ بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۲۳؛ حمیری، حور العین، ص ۱۵۶.

قابل توجهی داشته است. چنان که برخلاف نفس زکیه که امتدادی برای اعتقاد به غیبت او در تاریخ مشاهده نمی‌شود، برخی از مردم خراسان و به خصوص طالقان حداقل بیش از صد سال در انتظار ظهور ابن قاسم بوده‌اند. چنان که مسعودی (م ۳۴۶ ق) به هنگام گزارش زندگی محمد بن قاسم، در سال ۳۳۲ ق، از اعتقاد جمعیت بسیاری از زیدیان به امامت و سپس مهدویت وی سخن گفته و آنان که اکثراً در خراسان و سپس در کوفه، طبرستان و دیلم حضور دارند را در باور به زنده بودن، خروج و عدالت‌گستری مهدی یعنی محمد بن قاسم مشترک می‌داند.^۱

دوم آنکه اخبار محمد بن قاسم با طالقان ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ زیرا علاوه بر خروج وی از این منطقه^۲ و حتی زعم عده‌ای به وفات او در همین مکان،^۳ برخی از تاریخ‌نگاران^۴ و یا فرق‌نویسان^۵ از او با نام صاحب طالقان یاد کرده‌اند. شایسته است که با احتیاط بیشتری نسبت به روایات مهدوی مرتبط با طالقان برخورد شود.^۶ احادیثی شمار قابل توجهی از ۳۱۳ یار مهدی - نسبت به سایر بلاد - را از این منطقه دانسته^۷ که گاهی اسامی افراد نیز ذکر شده است.^۸ همچنان که استخراج گنج‌های طالقان توسط مهدی،^۹ که از آن به یارانی^{۱۰} مستحکم^{۱۱} و با اراده‌هایی آهنین^{۱۲} تعبیر شده است و بشارت امیرمؤمنان (ع) به مردم این منطقه،^{۱۳} می‌تواند به این مجموعه اضافه شود.

۱. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۴۶۵.
۲. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۷، ص ۷؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۷۱؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۶۶ - ۴۶۵.
۳. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۷۱.
۴. سمعانی، *الانساب*، ج ۳، ص ۱۶۸؛ ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، ج ۳، ص ۳۲۱.
۵. اشعری، *مقالات الاسلامیین*، ص ۶۷؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۳؛ شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۱۸۵ - ۱۸۴.
۶. فرمانیان، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، کتاب *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، ص ۳۰۰.
۷. طبری *آملی صغیر*، *دلائل الامامه*، ص ۵۶۲ - ۵۵۴؛ ابن طاووس، *الملاحم و الفتن*، ص ۱۵۰ - ۱۴۵ و ۲۰۹ - ۲۰۱.
۸. طبری *آملی صغیر*، *دلائل الامامه*، ص ۵۷۵ - ۵۶۶.
۹. ابن عساکر، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۱، ص ۲۵۷.
۱۰. ابن اعثم کوفی، *الفتوح*، ج ۲، ص ۳۲۱ - ۳۲۰؛ ابن طاووس، *الملاحم و الفتن*، ص ۱۵۰ - ۱۴۵.
۱۱. صدوق، *کمال‌الدین*، ج ۱، ص ۲۶۸؛ طبرسی، *اعلام الوری*، ص ۴۰۳.
۱۲. خصبی، *الهدایه الکبری*، ص ۴۰۳.
۱۳. ابن اعثم کوفی، *الفتوح*، ج ۲، ص ۳۲۱ - ۳۲۰.

البته در اینکه مراد از طالقان منطقه‌ای در مرکز ایران و مجاورت قزوین یا طالقان واقع در خراسان بزرگ و افغانستان کنونی^۱ باشد، تردیدهایی وجود دارد. برخی از جغرافی‌دانان، طالقان را نام دو منطقه می‌دانند که یکی از آنها در خراسان قدیم و در سه منزلی مرو بوده و دیگری طالقان قزوین است.^۲ اما با توجه به قراینی از جمله قرار گرفتن طالقان در کنار سایر شهرهای مرو^۳ در اکثر روایات مهدوی و شهرت فزون‌تر طالقان خراسان نسبت به طالقان ایران - همان‌گونه که برخی جغرافی‌دانان نخستین تنها به تبیین طالقان خراسان پرداخته‌اند^۴ - و ظهور محمد بن قاسم در طالقان این منطقه،^۵ شاید نتوان به‌سادگی روایات را به طالقان ایران مرتبط دانست. البته در مورد صحت این روایات با توجه به انگیزه‌های فراوان جعل نمی‌توان به‌راحتی اطمینان حاصل کرد. در هر حال اعتقاد به غیبت آن‌هم در منطقه‌ای دور از مرکز اسلام سبب شد تا مهدویت در زیدیه باز هم روندی متفاوت از ادوار گذشته را تجربه کند.

نتیجه آنکه اولاً مهدویت در میان زیدیان روند نزولی خود را آغاز کرده است و خبری از جزئیات فراوان در باب مهدی که در دوره نفس زکیه مطرح شد،^۶ به چشم نمی‌خورد و تنها اعتقاد به غیبت آن‌هم برای بازه‌ای طولانی جلب‌توجه می‌کند که ریشه در مرگ مخفی محمد بن قاسم دارد؛ موضوعی که برای هیچ‌یک از نامزدهای مهدوی قبل از او و حتی برای یحیی که پس از وی، به‌عنوان مهدی برخی از زیدیان مطرح شد، سابقه ندارد. لذا باور به عدم مرگ و طبیعتاً غیبت و ظهور، این دوره را از زمان قبل از خود کاملاً متمایز می‌سازد. ثانیاً پذیرش مهدویت یک رهبر زیدی در خارج از منطقه عراق و حجاز است که نسبت به دوره‌های دیگر امری بدیع به حساب می‌آید و لذا روایات مرتبط با این منطقه نیز که با مهدویت ارتباطی محکم دارند، می‌تواند مورد توجه باشد. اما در هر حال این دوره را می‌توان آغازی برای کاهش اهتمام به جزئیات مرتبط با مهدی قلمداد نمود.

۱. این شهر هم اکنون مرکز ولایت تخار در شمال افغانستان است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: بادنچ، «تالقان (طالقان)»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۶، ص ۳۰۰ - ۲۹۷.

۲. سمعانی، *الانساب*، ج ۹، ص ۸؛ یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ج ۴، ص ۷ - ۶.

۳. ابن‌اعثم کوفی، *الفتوح*، ج ۲، ص ۳۲۱ - ۳۲۰؛ طبری آملی صغیر، *دلائل الامامه*، ص ۵۶۲ - ۵۵۴ و ۵۷۵ - ۵۶۶؛ ابن طاووس، *الملاحم و الفتن*، ص ۲۰۹ - ۲۰۱.

۴. یعقوبی، *البلدان*، ص ۱۱۵.

۵. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۷، ص ۷؛ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۷۱؛ ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۴۶۵ و ۴۶۶.

۶. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۲۱۷ - ۲۱۰.

۲. بررسی نشانه‌های ظهور در مهدی‌باوری زیدیه

در قیام یحیی بن عمر از نوادگان زید شهید^۱، نقطه عطف بزرگی در مهدی‌باوری زیدیان وجود دارد و آن توجه به نشانه‌های ظهور است. در تبیین این مسئله باید گفت که برخی آثار محدود پیرامون شخصیت و قیام یحیی نوشته شده،^۲ اما کمتر به مهدویت وی و بروز تمایل به نشانه‌های ظهور در این دوران پرداخته شده است.^۳ درحالی‌که شاید این قیام چرخش‌گاهی اساسی در تاریخ مهدویت زیدیه به واسطه اهتمام به نشانه‌های مرتبط با آخرالزمان و ظهور مهدی باشد. برای روشن شدن این مسئله لازم است تا حرکت یحیی در کوفه بررسی شود.

یحیی که از محبوب‌ترین طالبیان زمان خویش قلمداد گشته است،^۴ به سال ۲۵۰ در کوفه قیام کرد که هرچند پیش‌درآمد قیام او را نارضایتی‌های مالی دانسته‌اند،^۵ هدف از خیزش خویش را رضای الهی اعلام کرد^۶ و در خطبه‌های آغازین خود بر عدالت و دعوت به رضا من آل محمد^۷ تأکید می‌نمود. او را که برخی از شمار ائمه زیدیه می‌دانند،^۸ مورد حمایت زیدیان قرار گرفت^۹ که گاهی به دخالت آنها در امور منجر می‌شد.^{۱۰} وی سرانجام پس از تصرف کوفه و پیروزی‌های اولیه، از سپاه عباسی شکست خورد و در معرکه جان سپرد.^{۱۱}

۱. نسب کامل او عبارت است از: یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع).
۲. برای نمونه: بحر العلوم، یحیی بن عمر علوی؛ الهامی، «قیام یحیی بن عمر (قتیل شاهی)»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۳۴، شماره ۸، ص ۳۹ - ۳۳.
۳. هرچند برخی در این باره سخن گفته‌اند. بنگرید به: جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۴۴ - ۴۳ و ۵۴ - ۵۳ و ۸۶.
۴. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۶۸؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۱۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۹۰.
۵. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۶۶؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۹۷.
۶. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۱۱.
۷. برای اطلاعات بیشتر در مورد کاربردهای این عبارت بنگرید به: الله اکبری، «الرضا من آل محمد (ع)»، مجله تاریخ اسلام، شماره ۸، ص ۴۴ - ۲۵.
۸. ابن‌عنه، عمدة الطالب، ص ۲۵۲؛ مؤیدی، التحف، ص ۱۵۰.
۹. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۶۷ و ۲۶۸؛ ابن‌مسکویه، تجارب الامم، ج ۴، ص ۳۲۸؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۱۲۷.
۱۰. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۶۸؛ ابن‌مسکویه، تجارب الامم، ج ۴، ص ۳۲۸؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۷، ص ۱۲۸.
۱۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۷۱ - ۲۶۶؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۹۷؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۶۸ - ۶۳؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۲۱ - ۵۰۶.

واکنش‌های اولیه نسبت به مرگ یحیی، انکار از سوی کوفیان بود که حتی نمایش سر او - که به علت کثرت جراحات چندان قابل شناسایی نبود - نتوانست اهل کوفه را متقاعد سازد؛ اما سرانجام با تصدیق مرگ یحیی از سوی نزدیکان وی، کوفه در سوگ او فرو رفت و در بغداد نیز همین رویه تکرار شد^۱ و حتی بعدها برخی با قیام صاحب زنج (۲۷۰ - ۲۵۵ ق)^۲ به سبب آنکه او را یحیی می‌دانستند، همراهی کردند.^۳

آنچه در اینجا اهمیت دارد، نه انکارهای نخستین در مرگ یحیی و نه اعتقاد برخی از زیدیان به مهدویت یحیی است که در کتاب‌های فرقه‌نگاری^۴ و یا منابع امامی^۵ آمده است، بلکه سبب و علت مهدی‌انگاری او در این زمان است. براساس روایتی از ابن عقده (م ۳۳۳ ق) در بقایای به جای مانده از اصول اربعمائه^۶، نشانه‌هایی برای آخرالزمان و شاید مهدی - هرچند تصریحی در روایت به چشم نمی‌خورد - از امام صادق (ع) بیان شده است که برخی از بزرگان در هنگام خروج یحیی در سال ۲۵۰ تمامی آنها را تحقق یافته می‌دیدند. در این خبر امام از موارد ذیل خبر داده است: خارج شدن کارها از روال معمول، توقف حج، کشتار وسیع مردم در منطقه مکه، خروج مردی از خاندان پیامبر (ص) در مکه با پرچمی سفید رنگ، خشک شدن فرات، ظهور مردمانی کوچک‌چشم و آواره ساختن مردمان، حمله درندگان به مناطق مسکونی، شکافته شدن قبر مردگان و ظهور مردی بور چهره در مکه که خواستار لعن امیرمؤمنان (ع) بوده و بعد از کشتاری وسیع در همان روز به قتل خواهد رسید.^۷

ممکن است نتوان تک‌تک حوادث ذکرشده در خبر فوق را با تاریخ منطبق ساخت، اما احتمالاً

۱. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۵۰۹.

۲. برای اطلاعات بیشتر پیرامون قیام صاحب زنج بنگرید به: احمد العلی، *علی بن محمد صاحب الزنج و دولته المهزوره*؛ آژند، *قیام زنگیان*.

۳. ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج‌البلاغه*، ج ۸، ص ۱۳۰.

۴. اشعری، *مقالات الاسلامیین*، ص ۶۷؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*، ص ۲۳؛ حمیری، *حور العین*، ص ۱۵۶.

۵. مفید، *فصول العشره*، ص ۱۱۰.

۶. برای اطلاعات بیشتر پیرامون اصول اربعمائه بنگرید به: عاشوری تلوکی، «پژوهشی پیرامون اصول اربعمائه»، *مجله صحیفه مبین*، شماره ۳۷، ص ۶۸ - ۴۸؛ کلانتری، «اصول اربعمائه یا نخستین مرحله فقه شیعه»، *مجله کاوشی نو در فقه اسلامی*، شماره ۲۵ و ۲۶، ص ۳۳۱ - ۳۰۴؛ ایزدی مبارکه، «پژوهشی پیرامون اصول اربعمائه»، *مجله دین و ارتباطات*، شماره ۲، ص ۱۱۸ - ۹۷.

۷. جمعی از نویسندگان، *اصول سته عشر*، تحقیق محمودی و دیگران، ص ۳۵۵ - ۳۵۳.

قیام اسماعیل بن یوسف علوی (م ۲۵۲ ق) - که از نوادگان امام حسن علیه السلام بود و در مکه به سال ۲۵۱ ق قیام کرد و پس از خونریزی‌های بسیار در منطقه حجاز، سرانجام در سال ۲۵۲ ق درگذشت^۱ - را بتوان تا حدی با این موضوع نزدیک دانست. هرچند شاید نتوان در تاریخ ویژگی‌های ظاهری اسماعیل بن یوسف از جمله چهره‌ای بور و یا دشنام به امیرمؤمنان علیه السلام را رصد کرد - که در خبر ابن عقده آمده است - درهرحال علویان بسیاری به‌دست سپاهیان او کشته شدند^۲ که حتی امثال ابوالفرج اصفهانی نیز از بیان شرح حال او خودداری کرده‌اند.^۳ شایان ذکر است که او یک سال بعد از جنایات خویش، یعنی در سال ۲۵۲ ق درگذشت که چندان با خبر پیشین منطبق نیست؛ زیرا او باید در همان روز کشتار، از دنیا برود.^۴ همچنین او یک سال پس از کشته شدن یحیی قیام کرد، ولی درعین حال هیچ حرکتی در مکه در حدود دهه چهل و پنجاه قرن سوم به‌جز این قیام گزارش نشده است.

همچنان که پرچم‌داری قیام یحیی در مکه به‌دست شخصی به نام محمد بن معروف - که در خبر ذکر شده است - نیز در منابع منعکس نشده و شخصیت نگاران متقدم و حتی معاصر نیز از این شخص اطلاعات اندکی به دست می‌دهند که با قیام در مکه ارتباطی ندارد.^۵

درضمن پیش‌گویی منتسب به امام صادق علیه السلام خبر از خشک شدن فرات داده است که نمی‌توان به‌روشنی در تاریخ این موضوع را پی گرفت. در اخبار مهدوی، گزارش‌هایی مرتبط با خشکی فرات وجود دارد که گاهی بدون اشاره به ظهور مهدی، از عبدالله بن مسعود (م ۳۲ ق) پیش‌گویی‌هایی مبنی بر کم‌آب شدن شدید فرات و وجود آن تنها در سرزمین‌های شام را آورده است^۶ و یا روایتی خشک‌سالی شدید در هنگامه ظهور دجال را بیان می‌دارد.^۷ اما احادیث مرتبط با

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۴۷ - ۳۴۶ و ۳۷۲؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۹۸ و ۴۹۹؛

مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر ج ۴، ص ۹۴.

۲. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۶۴ - ۵۶۳.

۳. همان، ص ۵۲۴.

۴. جمعی از نویسندگان، اصول سته عشر، ص ۳۵۵.

۵. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۳۶۲؛ ابن داود، رجال ابن داود، ص ۳۳۷؛ خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۸،

ص ۲۸۱.

۶. عبدالرزاق، مصنف عبدالرزاق، ج ۱۱، ص ۳۷۳؛ ابن منادی، الملاحم لابن منادی، ص ۲۹۶ - ۲۹۵؛ طبرانی،

معجم الکبیر، ج ۹، ص ۱۷۲؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۸، ص ۳۰۴۱؛ ابن عساکر،

تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۳۱۳.

۷. ابن حماد، الفتن ابن حماد، ص ۳۶۳ - ۳۶۲.

فرات در میراث اهل سنت بیشتر ناظر به استخراج گنجی از فرات است که با جنگ و کشتار وسیع مردم همراه است^۱ و لذا توصیه به عدم اخذ آن^۲ و عدم نزدیک شدن به آن را دارد.^۳ در منابع شیعه نیز به رخ دادن شکافی در سدهای فرات در هنگامه سال فتح اشاره می‌کند؛ به گونه‌ای که آب را بر سطح معابر کوفه جاری می‌سازد.^۴

در روایت منسوب به امام ششم علیه السلام به ظهور مردمانی کوچک‌چشم و اخراج مردمان از خانه‌هایشان در آخرالزمان خبر داده است که علاوه بر وجود مشابه‌های آن در دیگر احادیث^۵ به روی کار آمدن ترک‌ها تطبیق داده شده^۶ که به نظر می‌رسد صحیح باشد.^۷

قیام حسن بن زید (حک ۲۷۰ - ۲۵۰ ق) در طبرستان به سال ۲۵۰ نیز تا اندازه‌ای می‌تواند قابل توجه باشد. هرچند حرکت او پس از خاموش کردن جنبش یحیی صورت گرفته است،^۸ اما شاید در دامن زدن به افکار مهدوی در آن سال‌ها کمک کرده باشد؛ زیرا برحسب بعضی از پیش‌بینی‌ها، مردمی در شرق ظهور می‌کنند که راه را برای قیام مهدی^۹ و یا مصلح

۱. عبدالرزاق، مصنف عبدالرزاق، ج ۱۱، ص ۳۸۲؛ ابن حماد، الفتن / ابن حماد، ص ۲۳۳، ۲۳۴، ۴۱۸، ۴۱۹؛ ابن حنبل، مسند احمد، ج ۱۲، ص ۵۱۵ و ج ۱۳، ص ۴۲۵ و ج ۱۴، ص ۲۳۲ و ج ۱۵، ص ۲۱۷ و ج ۳۵، ص ۱۸۴ - ۱۸۳ و ۱۸۵؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۲۱۹ و ۲۲۲۰؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ص ۹۱۸؛ ابن منادی، الملاحم لابن منادی، ص ۲۷۷؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۰۰؛ دانی، سنن دانی، ج ۱، ص ۲۹۲، ج ۴، ص ۹۳۴، ۹۳۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۷، ص ۳۳۳ - ۳۳۲ و ج ۸، ص ۱۱۱ و ج ۳، ص ۲۰۷.
۲. ابن حماد، الفتن / ابن حماد، ص ۴۱۷؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۶۰۵؛ مسلم، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۲۲۱۹ و ۲۲۲۰؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۹۸؛ ترمذی، سنن ترمذی، ص ۷۴۰؛ ابن منادی، الملاحم لابن منادی، ص ۲۷۷، ۲۷۸؛ دانی، سنن دانی، ج ۳، ص ۵۶۴.
۳. ابن حماد، الفتن / ابن حماد، ص ۴۱۵، ۳۳۳؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱۴، ص ۱۱۹؛ خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۲۶۸.
۴. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ طوسی، الغیبه، ۱۴۱۱، ص ۴۵۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۵۸.
۵. ابن حماد، الفتن / ابن حماد، ص ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۳؛ ابن منادی، الملاحم لابن منادی، ص ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵.
۶. جمعی از نویسندگان، اصول سته عشر، تحقیق محمودی و دیگران، ص ۳۵۴.
۷. برای اطلاعات بیشتر درمورد نفوذ ترک‌ها در حکومت عباسی بنگرید به: قائدان و آئینه‌وند، «نقش سه عنصر عرب، ایرانی و ترک در سپاه عصر اموی و عباسی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۴)، ص ۱۵۲ - ۱۳۸.
۸. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۶۶ - ۲۷۶.
۹. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ص ۹۳۳؛ طبرانی، معجم الاوسط، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۹۴؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۶۷.

جهانی^۱ هموار می‌سازند. شایسته یادآوری است که ارتباط شرق و ساکنان آن با مهدی، در بیشتر موارد به رایات سود^۲ گره خورده است که آنان به مهدی^۳ یا همان مصلح موعود^۴ یاری می‌رسانند. حتی گاه مهدی را نیز همراه و در میان پرچم‌داران سیاه^۵ از مشرق^۶ دانسته‌اند. کار بدان‌جا رسیده است که گاهی بدون اشاره به نام و یا وصف مهدی به پیروی از آنان توصیه شده است.^۷ البته اخبار نقضی نیز در این زمینه وجود دارد.^۸ به‌رحال شرقی‌های زمان مهدی که گزارش‌هایی از فعالیت‌های آنان قبل از مهدی وجود دارد،^۹ نقش پررنگی در گزارش‌های مهدوی داشته، به‌گونه‌ای که پرچم‌دار مهدی را از مشرق دانسته‌اند^{۱۰} و یا در احادیثی، ظهور شخص مهدی را از شرق پیش‌بینی کرده‌اند.^{۱۱}

به‌هرروی اخباری چون ظهور سفیدپوشان در کوفه که به‌صراحت در خبر آمده است^{۱۲} و اتفاقات عجیب دیگر، به‌علت کمبود اطلاعات تاریخی نمی‌توانند مورد ارزیابی دقیق قرار گیرند. گزارش‌های تاریخی نیز حاکی از آن است که حسن بن زید در قیامش از پرچم‌های سفید

۱. بزار، البحر الزخار (مسند البزار)، ج ۴، ص ۳۵۵ - ۳۵۴؛ طبری آملی صغیر، دلائل الامامه، ص ۴۴۵ - ۴۴۴.
۲. برای اطلاعات بیشتر در مورد رایات سود بنگرید به: صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، ص ۱۲۳ - ۹۷.
۳. ابن حماد، الفتن ابن حماد، ص ۲۱۳.
۴. ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱۳، ص ۳۹۲؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ص ۹۳۲ - ۹۳۱؛ شاشی، مسند الشاشی، ج ۱، ص ۳۴۷ و ۳۶۲؛ ابن منادی، الملاحم لابن منادی، ص ۱۹۳؛ طبرانی، معجم الاوسط، ج ۶، ص ۲۹؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۸، ص ۲۹۹۷؛ دانی، سنن دانی، ج ۵، ص ۳۰ - ۲۹؛ طبری آملی صغیر، دلائل الامامه، ص ۴۴۵ و ۴۴۶؛ ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۱۶۱.
۵. ابن حماد، الفتن ابن حماد، ص ۲۱۴ - ۲۱۳؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳۷، ص ۷۰؛ ابن منادی، الملاحم لابن منادی، ص ۱۹۴؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۸، ص ۳۰۳۸؛ دانی، سنن دانی، ج ۵، ص ۱۰۳۳ - ۱۰۳۲؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج ۶، ص ۵۱۶ - ۵۱۵؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۲، ص ۱۷۴؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۲.
۶. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ص ۹۳۲؛ ابن منادی، الملاحم لابن منادی، ص ۱۹۴ - ۱۹۳؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۸، ص ۳۹۹۶؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۲، ص ۲۸۱ - ۲۸۰.
۷. گنجی شافعی، البیان فی أخبار صاحب الزمان (عج)، ص ۴۹۰ - ۴۸۹؛ مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۷۳.
۸. ابن حماد، الفتن ابن حماد، ص ۱۳۲ - ۱۳۱ و ۲۱۶.
۹. ابن حماد، الفتن ابن حماد، ص ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۴۵ - ۲۴۴.
۱۰. طبرانی، معجم الاوسط، ج ۴، ص ۲۵۶.
۱۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۵ - ۳۰۴.
۱۲. جمعی از نویسندگان، اصول سته عشر، تحقیق محمودی و دیگران، ص ۳۵۴.

بهره می‌برد^۱ و همین روند را جانشینان او مانند محمد بن زید (حک ۲۸۷ - ۲۷۰ ق) نیز ادامه دادند.^۲ اگر توفیق چندانی در تطبیق علائم ذکر شده با حوادث آن سال‌ها به‌دست نیامد، اما اعتقاد به مهدویت یحیی با توجه به علائم پیش‌گفته آن‌هم از سوی بزرگانی چون ابن‌عقده^۳ و^۴ - که البته او را زیدی دانسته‌اند^۵ - گویای اهتمام قابل‌توجه زیدیان به نشانه‌های ظهور در مهدی‌گزینی است. زیرا در یحیی شاید بتوان تنها گزارش‌های معدودی را یافت که اسم مهدی را با اسامی یکی از پیامبران منطبق می‌داند.^۶ در هر حال تکیه بر مهدویت او آن‌هم به‌سبب نشانه‌ها، شاید یکی از آخرین نقاط عطف در مهدی‌باوری زیدیان باشد. پس از این رویداد، مهدویت حسین بن قاسم عیانی (م ۴۰۴ ق) در یمن^۷ قابل‌توجه است که برخی از خاورشناسان آن را جدی‌ترین نهضت مهدوی در یمن در آن دوره می‌دانند^۸ که از بازه زمانی این تحقیق خارج است و مناسب است که اعتقاد زیدیان بعد از تجارب ناموفق گذشته بازخوانی شود.

پیش از بررسی باور زیدیان پس از این مراحل که تا امروز نیز تداوم دارد، به دو نکته درمورد این مقطع از مهدی‌باوری زیدیه اشاره می‌شود:

۱. ابن‌اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، ج ۱، ص ۲۳۲ و ۲۳۷.
۲. همان، ص ۲۵۶؛ مرعشی، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، ص ۱۴۱.
۳. ابن‌عقده از محدثان بزرگ شیعه است. برای اطلاعات بیشتر درمورد ابن‌عقده، بنگرید به: پاکتچی، «ابن‌عقده»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۳۲۰ - ۳۱۸؛ جلالی، «ابن‌عقده و مقام او در حدیث»، *مجله علوم حدیث*، ش ۲، ص ۲۰۱ - ۱۷۶.
۴. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ص ۴۴ و ۵۳. البته مجلسی در *بحار* روایت مورد بحث را از کتاب *نوادیر علی بن اسباط* از اصحاب امام رضا^{علیه السلام} و امام جواد^{علیه السلام} (برقی، *رجال البرقی*، ص ۵۴ و ۵۶؛ نجاشی، *رجال نجاشی*، ص ۲۵۳ - ۲۵۲) می‌داند (مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۴۷، ص ۹۴) که با توجه به تصریح روایت به نقل در سال ۳۲۸ و ناهمخوانی با دوره را بن اسباط و همچنین نیامدن اسم وی در سلسله سند، پذیرفتنی نخواهد بود.
۵. طوسی، *فهرست*، ص ۶۸؛ ابن‌داود، *رجال ابن‌داود*، ص ۴۲۲؛ حلی، *رجال*، ص ۲۰۳.
۶. برای اطلاعات بیشتر درمورد مذهب ابن‌عقده، بنگرید به: فیروزمندی و نریمانی، «بررسی شخصیت رجالی ابن‌عقده و واکاوی مذهب او در کتب تاریخی»، *مجله مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۵، ص ۱۴۸ - ۱۲۵.
۷. عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۶۵؛ نعمانی، *الغیبه*، ص ۱۷۸، ۱۷۹ و ۱۸۱؛ طبری *آملی صغیر*، *دلائل الامامه*، ص ۴۸۶.
۸. برای اطلاعات بیشتر درمورد مهدویت حسین بن قاسم، بنگرید به: موسوی‌نژاد، «مهدویت و فرقه حسینیّه زیدیه»، *مجله هفت آسمان*، ش ۲۷، ص ۱۶۲ - ۱۲۷.

9. Madelelung, AL - MAHDI, IN "THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM", V. 5, P. 1237.

نخست توجه جدی به نشانه‌های ظهور است که تکیه‌گاه اصلی برای مهدویت رهبر قیام کوفه بود و برخلاف زمان نفس زکیه، شواهد بسیار اندکی از اهتمام به شخص مهدی دیده می‌شود. دومین مسئله در نزدیکی این زمان با آغاز غیبت صغری در امامیه بود که شاید در دامن زدن به مهدویت یحیی مؤثر باشد؛ چنان که برخی معتقدند اهتمام شیعیان امامی بر نقل احادیث مهدوی و آماده‌سازی جامعه برای عصر غیبت به مهدی‌انگاری یحیی کمک قابل توجهی کرده است.^۱

۳. بررسی باور به منجی واپسین در مهدی‌باوری زیدیه

زیدیان پس از شکست و یأس از قیام‌های نامزدهای مهدی در زیدیه کم‌کم به موعودی گرایش یافتند که دیگر مشخصات دقیقی برای آن یافت نمی‌شود؛ چنان که برخی معاصران زیدی به توجه کم‌رنگ زیدی‌ها به مهدویت و موهبت‌انگاری آن اذعان داشته و حتی گاه اقامه عدل را وابسته و منحصر در ظهور مهدی نمی‌دانند.^۲ اما چنان که گفته خواهد شد، در نگاه غالب زیدیه به‌ویژه در آثار متقدم، مهدی آخرین امام است که در آخرالزمان خواهد آمد و جهان را از عدل و داد پر خواهد کرد. لذا به‌رغم تجارب ناموفق گذشته به‌طور کلی منکر مهدویت نشده‌اند؛ ولی بعضی از معاصران، زیدیه را از اساس مخالف مهدویت و رجعت می‌دانند.^۳

زیدیان هر فاطمی شجاع عالمی را که قیام کند، مهدی نمی‌دانند و بعضی چنین مسئله‌ای را اظهار کرده‌اند؛^۴ بلکه آنان معتقدند باید آخرین امام، مهدی باشد^۵ و او را چون سایر ائمه خود از نسل حسنین (ع) و شاید از نسل امام حسن (ع) می‌دانند.^۶

۱. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ص ۵۳. هرچند غیبت‌نگاری‌های واقفه نیز در تعمیق بخشی اعتقاد به غیبت در شیعه مؤثر بوده است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: غلامعلی، «درآمدی بر غیبت‌نگاری (بررسی کتاب‌های غیبت تا قرن پنجم هجری)»، *مجله حدیث و اندیشه*، ش ۳ (دوره جدید)، ص ۱۲۲ - ۹۷.

۲. حمیدالدین، *الزیدیه قراءة فی المشروع و بحث فی المکونات*، ص ۱۰۷.

۳. امین، *ضحی الاسلام*، ج ۳، ص ۲۴۳.

۴. صبحی، *نظریه الامامه لدى الشيعة اثني عشرية*، ص ۴۰۵.

۵. هادی، *مجموع رسائل الإمام الهادي يحيى بن الحسين*، ص ۶۲؛ ابن سلیمان، *حقائق المعرفة*، ص ۴۸۳؛ مؤیدی، *لوامع الانوار*، ج ۱، ص ۵۹ - ۵۸.

۶. چنان که زید در جواب سؤال از مهدی بدان تصریح کرد. بنگرید به: درسی، *مجموع کتب و رسائل الامام زید بن علی*، ص ۳۶۰.

۷. هادی، *الاحکام فی الحلال و الحرام*، ج ۲، ص ۳۴۶؛ منصور بالله، *العقد الثمین*، ج ۱، ص ۱۸۴ - ۱۸۳ و ۱۹۱؛ مؤیدی، *لوامع الانوار*، ج ۱، ص ۵۸.

نام مهدی محمد بن عبدالله است^۱ و از امیرمؤمنان (ع) روایتی می‌آورند که اولین ما محمد بن عبدالله (ع) و امام میانی و امام آخر نیز به همین نام است.^۲ هرچند برخلاف امامیه، مهدی را در فرد خاصی معین نکرده‌اند و لذا مباحثاتی بین آنان و عالمان امامی پیرامون نفی مهدویت امام دوازدهم (ع) شکل گرفته است.^۳ همچنین به مخالفت با مهدویت حسین بن قاسم عیانی و فرقه حسینی که از طرفداران مهدویت او بودند، نیز پرداخته‌اند^۴ و حتی نقل‌قول‌هایی از ابراهیم بن عبدالله، برادر نفس زکیه (م ۱۴۵ ق)، در رد مهدویت برادرش در مصادر زیدی به‌جای مانده است.^۵ ولی به‌هرحال معتقدند مهدی خواهد آمد و عالم را پر از عدل و داد می‌کند، همان‌طور که از ظلم و ستم فراگیر شده است.^۶ شاید گرایش آنان به معتزله^۷ سبب شده است که عقیده آنان به مهدی تا حد به اهل سنت نزدیک باشد،^۸ چنان‌که آنان نیز بر ظهور مهدی و با شرایطی مشابه ایمان دارند.^۹

در این میان توجه به چند نکته ضروری است: اول آنکه مفهوم قائم در میان زیدیه بسیار کم‌رنگ‌تر از شیعه است^{۱۰} و یکی از شروط امام از نظر آنان خروج و قیام به سیف است.^{۱۱} دومین

۱. حسنی، المصباح، ص ۴۴۳؛ منصور بالله، العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۸۳؛ مؤیدی، لوامع الانوار، ج ۱، ص ۵۸ و ۶۲؛ مؤیدی، التحف، ص ۳۹۱.
۲. مؤیدی، لوامع الانوار، ج ۱، ص ۵۹ - ۵۸؛ مؤیدی، التحف، ص ۳۹۱.
۳. صدوق، کمال‌الدین، ص ۱۲۶ - ۹۴.
۴. موسوی نژاد، «مهدویت و فرقه حسینی زیدیه»، مجله هفت آسمان، شماره ۲۷، ص ۱۵۴ - ۱۳۹.
۵. هارونی، تیسیر المطالب، ص ۱۹۴؛ محلی، الحقائق الوردیة، ص ۲۷۸؛ وزیر، هدایة الراغبین، ص ۱۹۵.
۶. هادی، الاحکام فی الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۳۴۶ - ۳۴۵؛ منصور بالله، العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۶۹ و ۱۷۱ و ۱۸۱ - ۱۷۶ و ۱۸۵؛ ابن‌بدرالدین، ینایع النصیحه، ص ۴۶۸؛ مهلا، مطمح الآمال، ص ۱۸۶ - ۱۸۵ و ۱۸۹؛ مؤیدی، لوامع الانوار، ج ۱، ص ۵۸، ۶۲ - ۶۰ و ۶۴.
۷. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: سلطانی، «تعامل تاریخی و فکری - فرهنگی معتزله و زیدیه»، مجله نامه تاریخ پژوهان، شماره ۱۱، ص ۷۴ - ۵۱؛ گرجی‌پور و دیگران، «مناسبات شیعه و معتزله در قرن چهارم هجری»، مجله ادیان و عرفان، سال چهل و هشتم، ش ۱، ص ۱۳۸ - ۱۲۱.
۸. جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۴۱۵.
۹. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: بستوی، المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحه و اقوال العلماء و آراء الفرق المختلفه.
۱۰. برای اطلاعات بیشتر درمورد این مفهوم بنگرید به: ساشادینا، «مهدی قائم منجی و امام دوازدهم»، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، مجله مشرق موعود، ش ۱، ص ۵۰ - ۴۸.
۱۱. برای نمونه بنگرید به: قاسم رسی، مجموع کتب و رسائل القاسم بن ابراهیم الرسی، ج ۱، ص ۶۵۲؛ هادی، مجموع رسائل الإمام الهادی یحیی بن الحسین، ص ۵۶، ۵۰۸ و ۵۳۷.

نکته در عدم اعتنایی شایسته به مسئله مهدویت است. زیدیان در این زمینه برخلاف امامیه، آثار زیادی را نگاشته‌اند که برخی، عللی چون شرط قیام برای امام و باور غالب به عدم تولد مهدی را ذکر کرده‌اند.^۱ شاید این کم‌توجهی از آن‌روست که تمام آمال خود را بر دوش مهدی نهاده‌اند. سومین مورد در عدم باور آنان به غیبت است. هرچند اشاره‌های کمرنگی مبنی به سفارش به انتظار در میان آنان به چشم می‌خورد،^۲ باور به تولد و غیبت مهدی در میان اکثر آنان وجود ندارد و حتی با ادعای غیبت از سوی امامیه به مقابله پرداخته‌اند.^۳ برخی نیز به نقل از ناصر اطروش (م ۳۰۴ ق)، مهدی را در بعضی از شعب‌های یمن می‌دانند^۴ که شاید با اخباری از مصادر زیدیه پیرامون خروج «محمد حسنی مهدی» از یمن^۵ و یا ظهور دادگستری در آخرالزمان از یمن^۶ بی‌ارتباط نباشد.

پس در یک جمله می‌توان زیدیان را پس از قرن سوم گروهی دانست که به آمدن مهدی در آخرالزمان^۷ ایمان داشته که در مکه ظهور می‌کند؛^۸ زمانی که فتنه‌ها انبوه، کتاب و سنت تعطیل، فساد و افساد فراوان، ربا و رشوه بسیار، ستم سلطان پرشمار باشد.^۹ وی نوری درخشنده در چهره و در میان دو چشم خویش دارد؛^{۱۰} همان‌گونه که زیدیان چنین نشانه‌ای را برای رسول خدا ﷺ نیز برشمرده‌اند.^{۱۱} مهدی با حکومت بر کل زمین^{۱۲} پناه شرق و غرب عالم خواهد بود.^{۱۳ و ۱۴}

۱. جاودان، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۴۲۲.

۲. هادی، الاحکام فی الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۳۷۴.

۳. منصور بالله، العقد الثمین، ج ۲، ص ۲۲۸ - ۱۹۲.

۴. مؤیدی، لوامع الانوار، ج ۱، ص ۶۳.

۵. منصور بالله، العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۸۲.

۶. مهلا، مطمح الآمال، ص ۱۸۵.

۷. منصور بالله، العقد الثمین، ج ۱، ص ۱۷۰، ۱۸۲ - ۱۸۱ و ۱۹۰، ج ۲، ص ۱۹۲؛ ابن‌بدرالدین، یتایع النصیحه،

ص ۴۶۹؛ مهلا، مطمح الآمال، ص ۱۵۵ و ۱۸۵؛ مؤیدی، لوامع الانوار، ج ۱، ص ۶۰ و ۶۲.

۸. هادی، الاحکام فی الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۳۴۶؛ مهلا، مطمح الآمال، ص ۱۹۰ - ۱۸۹.

۹. هادی، الاحکام فی الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۳۴۵.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۳۴۶.

۱۱. مؤیدی، لوامع الانوار، ج ۲، ص ۲۱.

۱۲. هادی، الاحکام فی الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۳۴۵؛ منصور بالله، العقد الثمین، ص ۱۷۰ و ۱۸۵.

۱۳. هادی، الاحکام فی الحلال و الحرام، ج ۲، ص ۳۴۶.

۱۴. برای اطلاعات بیشتر درمورد جایگاه مهدویت در میان زیدیه و به‌ویژه زیدیان کنونی بنگرید به: جاودان،

نتیجه

نتیجه این نوشتار را می‌توان در بندهای زیر خلاصه کرد:

۱. قرن سوم در یک نگاه کلان، آغازی برای افول اندیشه مهدویت در میان زیدیان قلمداد می‌گردد و به‌رغم ظهور نامزدهایی برای مهدویت از میان امامان زیدی، اهتمامی برای پرداختن به جزئیات متنوع باور به مهدی در میان زیدیان وجود ندارد.
۲. مرگ مخفی نامزد مهدی در این دوران را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین عوامل رشد اندیشه غیبت دانست. در این زمان دیگر احتیاجی نیست تا مانند دوران نفس زکیه، مقتول میانه میدان را شیطانی در صورت او بدانیم،^۱ بلکه رازآلود بودن پایان زندگی محمد بن قاسم آن هم در منطقه‌ای دور از مراکز اصلی شیعه، سبب شده است که غیبت‌انگاری به‌صورت باوری پررنگ، دوامی به درازای یک قرن داشته باشد؛ اما با توجه به نبود پشتوانه‌های کلامی برای آن و یأس از حیات ابن قاسم پس از یک‌صد سال، این اندیشه نیز در میان هواداران او رنگ باخت.
۳. نشانه‌های ظهور در این قرن نمودی بسیار قابل‌توجه دارد تا آنجا که آمال شیعه در رهبری علوی، آن هم در کوفه تجلی پیدا می‌کند؛ زیرا قیام او با نشانه‌ها ظهور همخوانی داشته است. شکست یحیی، تا حد زیادی اشتباه در مصداق را آشکار می‌سازد اما نشان از کارکردهای ویژه این باور در معادلات سیاسی و ساختار قدرت دارد.
۴. پس از شکست این قیام‌ها کم‌کم زیدیان به‌سمت مهدی نامعینی گرایش می‌یابند که به باور اهل سنت نزدیک است؛ بدین معنا که در آخرالزمان مردی از نسل فاطمه (ع) به دنیا خواهد آمد و احتمالاً با ظهور در مکه، زمانه پر از ستم را به جهانی سراسر عدل بدل می‌سازد و او آخرین امام خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آژند، یعقوب، قیام زنگیان، تهران، امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۶۴.

«گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، ص ۴۲۲ - ۴۱۴؛ خلیلی، «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه»، دانشگاه ادیان، ص ۱۲۱ - ۹۴، ۱۳۸۹.

۱. اشعری قمی، المقالات و الفرق، ص ۴۳؛ اشعری، مقالات الاسلامیین، ص ۹؛ بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۴۵ - ۴۴ و ۲۳۲.

- ۱۳۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۹، زمستان ۹۷، ش ۳۳
۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چ ۱، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن ابی شیهه عیسی، عبدالله بن محمد، المصنف لابن ابی شیهه، تحقیق اسامة بن ابراهیم بن محمد، قاهره، فاروق الحدیث للطباعة و النشر، چ ۱، ۲۰۰۸ م.
۵. ابن اثیر جزری، علی بن ابی الکرم، الكامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، چ ۱، ۱۹۶۵ م.
۶. ابن اسفندیار، محمد بن حسن، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، پدیده خاور، چ ۲، ۱۳۶۶.
۷. ابن بدرالدین، حسین، ینایع النصیحة فی العقائد الصحیحة، تحقیق مرتضی بن زید المحطوری، صنعاء، مكتبة البدر، چ ۱، ۱۴۲۲ ق.
۸. ابن حماد، ابو عبدالله نعیم، الفتن ابن حماد، تحقیق مجدی بن منصور شوری، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۲، ۱۴۲۳ ق.
۹. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، تحقیق شعیب الارنؤوط و عادل مرشد، بیروت، مؤسسه الرساله، چ ۱، ۱۹۹۷ م.
۱۰. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، تحقیق خلیل شحادة، بیروت، دار الفکر، چ ۲، ۱۹۸۸ م.
۱۱. ابن داود، حسن بن علی، رجال ابن داود، تهران، دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۴۲.
۱۲. ابن سلیمان، المتوکل علی الله احمد بن سلیمان بن محمد، حقائق المعرفة فی علم الکلام، تصحیح حسن بن یحیی، صنعاء، مؤسسه الامام زید بن علی، چ ۱، ۱۴۲۴ ق.
۱۳. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر علیه السلام، قم، شریف رضی، چ ۵، ۱۳۹۸ ق.
۱۴. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. ابن عنیه، جمال الدین أحمد بن علی، عمدة الطالب فی أنساب آل أبی طالب، قم، انصاریان، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۲۰۰۸ م.

بررسی تحلیلی مؤلفه‌های مهدی‌باوری زیدیان در قرن سوم هجری □ ۱۳۵

۱۷. ابن مسکویه، ابوعلی الرازی، *تجارب الأمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش، چ ۲، ۱۳۷۹.
۱۸. ابن منادی، احمد بن جعفر، *الملاحم لابن منادی*، تحقیق عبدالکریم عقیلی، قم، دار السیره، چ ۱، ۱۴۱۸ ق.
۱۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *مقاتل الطالبین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۲۰. ابی داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۲۰۰۷ م.
۲۱. احمد العلی، صالح، *علی بن محمد صاحب الزنج و دولته المهزوره*، بیروت، دار المدار الاسلامی، چ ۱، ۲۰۰۶ م.
۲۲. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، تبریز، بنی‌هاشمی، چ ۱، ۱۳۸۱ ق.
۲۳. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، تحقیق محمدجواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۶۰.
۲۴. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، *مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین*، ویسبادن (آلمان)، فرانس شتاینر، چ ۳، ۱۴۰۰ ق.
۲۵. الله اکبری، محمد، «الرضا من آل محمد (علیه السلام)»، *مجله تاریخ اسلام*، زمستان ۱۳۸۰، سال دوم، شماره ۸.
۲۶. امین، احمد، *ضحی الاسلام*، قاهره، مکتبة النهضة المصرية، چ ۷، ۱۹۶۴ م.
۲۷. الهامی، داود، «قیام یحیی بن عمر (قتیل شاهی)»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، آبان ۱۳۷۳، سال ۳۴، شماره ۸.
۲۸. ایزدی مبارکه، کامران، «پژوهشی پیرامون اصول اربعمائه»، *مجله دین و ارتباطات*، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۴.
۲۹. بادنج، معصومه، «تالقان (طالقان)»، *دانشنامه جهان اسلام*، چ ۶، ۱، ۱۳۸۰.
۳۰. بحرالعلوم، محمد مهدی فقیه، *یحیی بن عمر علوی*، قم، پژوهشکده حج و زیارت، چ ۱، ۱۳۹۳.

- ۱۳۶ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۹، زمستان ۹۷، ش ۳۳
۳۱. بخاری، محمد بن إسماعیل، *جامع الصحيح المختصر*، تحقیق مصطفی دیب البغا، بیروت، دار ابن کثیر، چ ۳، ۱۹۸۷ م.
۳۲. برادران، رضا و محمدصادق گلپور سوته، «مهدی باوری و مؤلفه‌های آن در میان زیدیان مقارن با ظهور نفس زکیه»، *مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، بهار ۱۳۹۶، سال هشتم، شماره ۲۶.
۳۳. برقی، احمد بن محمد، *رجال البرقی*، تحقیق حسن مصطفوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۴۲.
۳۴. بزار، احمد بن عمرو، *البحر الزخار (مسند البزار)*، تحقیق محفوظ الرحمن زین الله، مدینه، مکتبه العلوم والحکم، چ ۱، ۱۹۹۶ م.
۳۵. بستوی، عبدالعلیم عبدالعظیم، *المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث والآثار الصحیحه و اقوال العلماء و آراء الفرق المختلفه*، بیروت، دار ابن حزم، چ ۱، ۱۹۹۹ م.
۳۶. بغدادی، عبدالقاهر، *الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية منهم*، بیروت، دار الجیل - دار الآفاق، چ ۲، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین، *دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعه*، تحقیق عبدالمطیع قلعجی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۰۵ ق.
۳۸. پاکتچی، احمد، «ابن عقده»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، چ ۱، ۱۳۷۰.
۳۹. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، تحقیق صدقی جمیل العطار، بیروت، دار الفکر، چ ۱، ۲۰۰۸ م.
۴۰. جاسم حسین، *تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم*، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر، چ ۳، ۱۳۸۵.
۴۱. جاودان، محمد، «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در تشیع»، *کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چ ۱، ۱۳۸۹.
۴۲. جلالی، عبدالمهدی، «ابن عقده و مقام او در حدیث»، *مجله علوم حدیث*، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۵.
۴۳. جمعی از نویسندگان، *اصول سته عشر*، تحقیق ضیاءالدین محمودی و نعمت‌الله جلیلی، و مهدی غلامعلی، قم، مؤسسه دار الحدیث الثقافیه، چ ۱، ۱۳۸۱.

۴۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق حمدی الدمرداش محمد، بیروت، مکتبه العصریه، چ ۱، ۲۰۰۶ م.
۴۵. حسنی، ابوالعباس احمد بن ابراهیم، *المصابیح*، تحقیق عبدالله حوثی، صنعاء، مؤسسة الإمام زید بن علی، چ ۲، ۱۴۲۳ ق.
۴۶. حلّی، حسن بن یوسف، *رجال حلّی*، تحقیق محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف، دار الذخائر، چ ۲، ۱۴۱۱ ق.
۴۷. حمیدالدین، عبدالله بن محمد، *الزیدیة قراءة فی المشروع وبحث فی المكونات*، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافية، صنعاء، چ ۱، ۱۴۲۰ ق.
۴۸. حمیری، نشوان بن سعید، *الحوار العین*، تحقیق کمال مصطفی، تهران، بی‌نا، چ ۱، ۱۹۷۲.
۴۹. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الکبری*، بیروت، مؤسسة البلاغ، چ ۱، ۱۴۱۹ ق.
۵۰. خطیب بغدادی، احمد بن علی، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱۴۱۷ ق.
۵۱. خلیلی، زهرا، «مهدویت در زیدیّه و مقایسه آن با امامیه»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، قم، دانشگاه ادیان، ۱۳۸۹.
۵۲. خوئی، ابوالقاسم موسوی، *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه*، قم، مرکز نشر الثقافه الاسلامیه، چ ۵، ۱۳۷۲.
۵۳. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، *السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و أشراطها*، تحقیق ضاءالله بن محمد إدیس المبارکفوری، ریاض، دار العاصمة، چ ۱، ۱۴۱۶ ق.
۵۴. درسی، ابراهیم یحیی، *مجموع کتب و رسائل الامام الاعظم امیر المومنین زید بن علی*، صعده، مرکز اهل البيت (ع)، للدراسات الاسلامیه، چ ۱، ۲۰۰۱ م.
۵۵. ساشادینا، عبدالعزیز عبدالحسین، «مهدی قائم منجی و امام دوازدهم»، *مجله مشرق موعود*، ترجمه سید محمدتقی آیت‌اللهی، بهار ۱۳۸۶، سال اول، شماره ۱.
۵۶. سلطانی، مصطفی، «تعامل تاریخی و فکری - فرهنگی معتزله و زیدیّه»، *مجله نامه تاریخ پژوهان*، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۸۶.
۵۷. سمعانی، أبوسعید عبدالکریم بن محمد، *الأنساب*، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه، چ ۱، ۱۹۶۲ م.

- ۱۳۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۹، زمستان ۹۷، ش ۳۳
۵۸. شاشی، أبوسعید هیثم بن کلب، *المسند (مسند الشاشی)*، تحقیق محفوظ الرحمن زین الله، مدینه، مکتبه العلوم و الحكم، چ ۱، ۱۹۹۴ م.
۵۹. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، تحقیق محمد بدران، قم، شریف رضی، چ ۳، ۱۳۶۴.
۶۰. صادقی، مصطفی، *تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ ۱، ۱۳۸۵.
۶۱. صبحی، احمد محمود، *نظریه الامامه لدى الشيعة اثني عشرية تحليل فلسفی للعقیده*، بیروت، دار النهضة العربية. چ ۱، ۱۹۹۱ م.
۶۲. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، اسلامی، چ ۲، ۱۳۹۵ ق.
۶۳. طبرانی، سلیمان بن أحمد، *معجم الاوسط*، تحقیق طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، القاهرة، دار الحرمین، چ ۱، ۱۴۱۵ ق.
۶۴. طبرانی، سلیمان بن أحمد، *معجم الکبیر*، تحقیق حمدی بن عبدالمجید السلفی، موصل، مکتبه العلوم و الحكم، چ ۲، ۱۹۸۳ م.
۶۵. طبرسی، فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، دار الکتب الإسلامیه. چ ۳، ۱۳۹۰ ق.
۶۶. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامه*، تحقیق قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثة، قم، بعثت، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۶۷. طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ طبری)*، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، چ ۲، ۱۹۶۷ م.
۶۸. طوسی، محمد بن حسن، *الغیة للحجة (للطوسی)*، تحقیق عبادالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم، المعارف الإسلامیه، چ ۱، ۱۴۱۱ ق.
۶۹. طوسی، محمد بن حسن، *فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب*، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، چ ۱، ۱۴۲۰ ق.
۷۰. عاشوری تلوکی، نادعلی، «پژوهشی پیرامون اصول اربعمائه»، *مجله صحیفه مبین*، بهار و تابستان ۱۳۸۵، شماره ۳۷.

۷۱. عبدالرزاق، أبوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی، مصنف عبدالرزاق، تحقیق حبیب الرحمن الأعظمی، بیروت، المكتب الإسلامي، ج ۲، ۱۴۰۳ ق.
۷۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية. ج ۱، ۱۳۸۰ ق.
۷۳. غلامعلی، مهدی، «درآمدی بر غیبت نگاری (بررسی کتاب‌های غیبت تا قرن پنجم هجری)»، مجله حدیث و اندیشه، بهار و تابستان ۱۳۸۶، سال دوم، ش ۳ (دوره جدید).
۷۴. فرمانیان، مهدی، «بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام»، کتاب گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ج ۱، ۱۳۸۹.
۷۵. فیروزمندی، جعفر و زهره نریمانی، «بررسی شخصیت رجالی ابن عقده و واکاوی مذهب او در کتب تاریخی»، مجله مطالعات قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، سال سوم، شماره ۵.
۷۶. قاریان، حسین، «مهدویت از دیدگاه فرقه‌های زیدیه»، پایان‌نامه سطح ۳، قم، حوزه علمیه، ۱۳۹۵.
۷۷. قاسم رسی، قاسم بن ابراهیم بن اسماعیل، مجموع کتب و رسائل القاسم بن ابراهیم الرسی، تحقیق عبدالکریم احمد جلدبان، صنعاء، مؤسسة الإمام زید بن علی، ج ۱، ۱۴۲۱ ق.
۷۸. قائدان، اصغر و اصغر آینه‌وند، «نقش سه عنصر عرب، ایرانی و ترک در سپاه عصر اموی و عباسی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، بهار ۱۳۸۱، دوره هفدهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۴).
۷۹. کلانتری، علی‌اکبر، «اصول اربعمائه یا نخستین مرحله فقه شیعه»، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۷۹، شماره ۲۵ و ۲۶.
۸۰. ابن ائثم کوفی، ابومحمد احمد، کتاب الفتنوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ج ۱، ۱۹۹۱ م.
۸۱. گرجی‌پور، ضرغام؛ محمدعلی چلونگر و علیرضا ابطحی، «مناسبات شیعه و معتزله در قرن چهارم هجری»، مجله ادیان و عرفان، بهار و تابستان ۱۳۹۴، سال چهل و هشتم، شماره ۱.
۸۲. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، البیان فی أخبار صاحب الزمان (عج)، تهران، دار إحياء التراث أهل البيت (ع)، ج ۲، ۱۳۶۲.
۸۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۲، ۱۴۰۳ ق.

- ۱۴۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۹، زمستان ۹۷، ش ۳۳
۸۴. محلی، حمید بن احمد، *الحدائق الوردية فی مناقب ائمة الزيدية*، تحقیق المرتضی بن زید المحطوری الحسنی، صنعاء، مطبوعات مکتبه مرکز بدر، چ ۱، ۲۰۰۲ م.
۸۵. مرعشی، سید ظهیرالدین بن سید نصرالدین، *تاریخ طبرستان و رویان و مازندران*، تحقیق محمدحسین تسییحی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی شرق، چ ۱، ۱۳۴۵.
۸۶. مسعودی، أبوالحسن علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چ ۲، ۱۴۰۹ ق.
۸۷. مسلم نیشابوری، ابی الحسین مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چ ۱، ۱۹۹۱ م.
۸۸. مظفری و رسی، حیدر، *جریان شناسی مهدویت در فرقه های شیعی*، قم، دلیل ما، چ ۱، ۱۳۹۲.
۸۹. مفید، محمد بن محمد، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق مؤسسة آل البيت (ع)، قم، کنگره شیخ مفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۹۰. مفید، محمد بن محمد، *الفصول العشرة فی الغیبة*، تحقیق فارس تبریزیان، قم، دار المفید، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۹۱. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، *عقد الدرر فی أخبار المتطهرین (ع)*، قم، نشر مسجد مقدس جمکران، چ ۳، ۱۴۲۸ ق.
۹۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء و التاریخ*، قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة، بی تا.
۹۳. منصور بالله، عبدالله بن حمزه بن سلیمان، *العقد الثمین فی تبیین أحكام الأئمة الهادین*، تحقیق عبدالسلام عباس الوجیه، صعده، مرکز أهل البيت (ع) للدراسات الإسلامیة، چ ۱، ۲۰۰۰ م.
۹۴. مهلا، حسین بن ناصر بن عبدالحفیظ، *مطمح الآمال فی ایقاظ جهلة العمال من سنة الضلال*، عمان، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، تحقیق عبدالله بن احمد حوثی، چ ۱، ۲۰۰۲ م.
۹۵. موسوی نژاد، سید علی، «مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه»، *مجله هفت آسمان*، سال هفتم، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۴.
۹۶. موسوی نژاد، سید علی و سید ابوالفضل موسوی آقداش، «بازنمایی جایگاه اندیشه مهدویت در قیام زید بن علی»، *مجله انتظار موعود*، سال پانزدهم، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۴.
۹۷. مویدی، مجدالدین بن محمد بن منصور، *التحف شرح الزلف*، صنعاء، مکتبه بدر للطباعة والنشر والتوزیع، چ ۳، ۱۹۹۷ م.

۹۸. مویدی، مجدالدین بن محمد بن منصور، *لوامع الانوار فی جوامع العلوم و الآثار و تراجم اولى العلم و النظر*، صعده، مكتبة التراث السلامی، چ ۱، ۱۹۹۳ م.
۹۹. ناشی اکبر، عبدالله، *مسائل الإمامة*، تحقیق علی‌رضا ایمانی، قم، مرکز مطالعات ادیان و مذاهب، چ ۱، ۱۳۸۶.
۱۰۰. نجاشی، احمد بن علی، *رجال نجاشی*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسين، چ ۶، ۱۳۶۵.
۱۰۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة للنعمانی*، علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، چ ۱، ۱۳۹۷ ق.
۱۰۲. نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، بیروت، دار الأضواء، چ ۲، ۱۴۰۴ ق.
۱۰۳. هادی، یحیی بن حسین بن قاسم، *الاحکام فی الحلال و الحرام*، صعده، مكتبة اهل البيت (ع)، چ ۱، ۱۴۳۵ ق.
۱۰۴. هادی، یحیی بن حسین بن قاسم، *مجموع رسائل الإمام الهادی إلى الحق القويم یحیی بن الحسين بن قاسم بن ابراهیم*، تحقیق عبدالله شاذلی، صنعاء، مؤسسة الإمام زید بن علی، چ ۱، ۱۴۲۱ ق.
۱۰۵. هارونی، ابوطالب یحیی بن حسین بن هارون، *تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب*، تحقیق عبدالله بن حمود العزی، صنعاء، مؤسسة الامام زید بن علی الثقافية، چ ۱، ۲۰۰۲ م.
۱۰۶. وزیر، هادی ابن ابراهیم، *هدایه الراغبین الى مذهب العترة الطاهرين*، تحقیق عبدالرقيب بن مطهر محمد المطهر، صعده، مرکز اهل البيت (ع) للدراسات الاسلامیه. چ ۳، ۲۰۰۲ م.
۱۰۷. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، چ ۲، ۱۹۹۵ م.
۱۰۸. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، *البلدان*، تحقیق محمدا مین ضناوی، بیروت، دار الكتب العلمیه. چ ۱، ۱۴۲۲ ق.
۱۰۹. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.

110. Madelung, Wilferd Ferdinand, AL - MAHDI, IN *The Encyclopaedia of Islam*, E. J. BRILL, V 5, 1986, Leiden.

